



کشیش مهدی دیباج بر سر آرامگاه ناجی خود اسقف هایک هوسپیان مهر - سه روز بعد از رهایی کشیش دیباج از بند، اسقف هوسپیان مهر آماج انتقام آدمکشان رژیم واقع شد...



اسقف هایک هوسپیان مهر بر سر آرامگاه کشیش فقید سودمند با حضور همسر ایشان، در محلی دور افتاده با مزاری بی نام و نشان و با صلیبی نشانده بر خاک با مظلومیتی غریبانه...

\*\*\*

## مسیح مصلوب، ملاهای منفور، قربانیان مظلوم

در ایام زادروز عیسی مسیح، روح خدا و پیامبر محبت و رحمت، یکبار دیگر تألوی پرفروغ نور شمعها و طنین دل انگیز صدای ناقوسها و ترنم روح بخش ترانه ها و سرودها در گوشه و کنار این کره خاکی در هم میامیزد و جلوه آسمانی مییابد. بدین سان جامعه بزرگ مسیحیان جهان، با شور و شوق خاصی این میلاد پر راز و رمز و پر شکوه را در آستانه سال نو جشن میگیرند؛ در حالیکه با عشق و ایمان و با نیاز و نیایش، به مصلوب محبوبی چشم دوخته اند که ندا در میداد: " **بیائید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید.** "

در ایران ما اما، دیرزمانی است که تحت حاکمیت و اشغال ملاهای منفور و پاسداران جهل و جنون، هرآنچه که بوی عشق میدهد و رنگ محبت و دوستی دارد، و نوا و ندای آزادی و آزادگی داشته باشد و نور آگاهی و روشنگری در آن باشد، بی محابا به مسلخ برده میشود و تکه تکه یا سوراخ سوراخ میشود و یا بر دار و به صلیب کشیده میشود...

در میان خیل عظیم شهدا و قربانیان این نبرد نور با ظلمت، تعدادی از مسیحیان شریف و کشیشان والامقامی به چشم میخورند که مظلومانه بر خاک افتادند و همچون "بذر آگاهی" در ضمیر انسانهای بیشماری جوانه شدند...

"زمانی خواهد رسید که هر کس شمارا بکشد، می پندارد که خدا را خدمت کرده است." (یوحنا 1:2)

- هنوز یک هفته از به قدرت رسیدن آخوندهای شیاد نگذشته بود که در ۳۰ بهمن ۱۳۵۷، کشیش "ارسطو سیاح" در محل کارش در شیراز به قتل رسید.

- در اردیبهشت ۱۳۵۹ آدمکشان رژیم قصد ترور "اسقف دهقانی" را داشتند که منجر به قتل پسر وی گردید.

- قربانی بعدی کشیش "حسین سودمند" بود که بعد از چندبار دستگیری و بازداشت و بازجویی، نهایتاً در سوم دسامبر سال 1990 در محوطه زندان مشهد، مظلومانه و غریبانه بدار آویخته شد و در مخروبه ایی در حومه شهر خاک سپرده شد. زنده یاد سودمند اولین کشیشی بود که رسماً توسط مقامات قضایی حکومت ملاها به خاطر عدم انکار ایمان مسیحی خود و بجرم "ارتداد" اعدام گردید.

- مهدی دیباج از کشیشان برجسته شورای کلیساهای ایران، قربانی بعدی بود که ابتدا در سال 1985 به اتهامهای واهی ولی در حقیقت به جرم دگراندیشی و ایمان به آئین مسیحیت دستگیر میشود؛ و در شرایط زیر اعدام، حدود دو سال نیز در سلول انفرادی تحت آزار و شکنجه قرون وسطایی قرار میگیرد. در این میان اسقف هایک هوسپیان مهر شجاعانه و فداکارانه به کمک هموطن و برادر دینی خود می شتابد و بیدریغ برای نجات جان کشیش دیباج تلاش مینماید و صدای مظلومیت و اعتراض دیگر هموطنان مسیحی را در سطح جهان طنین انداز میکند.

کشیش دیباج در بیدادگاه تفتیش عقاید جلادان عمامه دار، شجاعانه از عقاید خود و حرمت انسانیش دفاع میکند و متعاقباً محکوم به اعدام میشود. در رأی صادره دادگاه آمده بود: "... نامبرده بدلیل عدم توبه و پافشاری بر عقاید غیر اسلامی خود به اعدام محکوم میگردد..."

البته در اثر پیگیریها و تلاشهای مسیحیان آزاده و بطور خاص اسقف هوسپیان مهر، سرانجام تحت فشارهای بین المللی، رژیم مجبور میشود کشیش دیباج را بعد از نه سال اسارت در ژانویه سال 1994 موقتاً از زندان آزاد کند... ولی آخوندهای شیطان صفت نقشه شوم دیگری در سر داشتند... چند ماه بعد در روز 24 ژوئن، زنده یاد مهدی دیباج هنگامی که از باغ کلیسا واقع در زیبادشت کرج برای شرکت در جشن تولد دخترش فرشته عازم منزل بود توسط ماموران بدنام ساواک آخوندی ربوده میشود و متعاقباً با چاقو بطرز فجیعی سلاخی و پیکرش قطعه قطعه میشود...

کشیش دیباج در قسمت پایانی دفاعیه اعتقادی خود در بیدادگاه رژیم گفته بود: " ... برای من، زندگی یعنی مجالی که به مسیح خدمت کنم و مرگ یعنی فرصت بهتری که با مسیح باشم. پس نه فقط راضی ام به احترام نام مقدس خدا در زندان باشم، بلکه حاضرم به خاطر عیسی مسیح خداوند جان بدهم و زودتر به ملکوت خدا برسم. جایی که برگزیدگان خدا به حیات جاودانی میروند اما شیرینان به عذاب جاودانی."



کشیش حسین سودمند



اسقف هوسپیان مهر در حال نیایش



اسقف هوسپیان مهر در جمع کودکان کلیسا

- اسقف "**هایک هوسپیان مهر**" مدیر عالی شورای کلیساهای تجمع برای خدا و رئیس شورای کشیشان پروتستان، از چهره های شناخته شده و از برجسته ترین شخصیت‌های جامعه ارمنه ایران بود که بعد از سالها تلاش برای دفاع از حقوق دگراندیشان و اقلیت‌های مذهبی و نجات جان هموطنان دربندش، بجرم آزادیخواهی و تن ندادن به شانتاژ شیدان دین فروش حاکم، سه روز بعد از آزادی کشیش دیباج، آماج انتقام آدمکشان سنگدل قرار گرفت و در تاریخ 19 ژانویه 1994 در حالیکه برای دیدار یکی از دوستانش عازم فرودگاه مهرآباد بود در بین راه ربوده شد و مظلومانه به قتل رسید... در آخرین نامه بجا مانده از وی، زنده یاد هایک می نویسد: "... من آماده ام که در کلیسا جان خود را تقدیم کنم باشد که دیگران بتوانند در آرامش و صلح، بدون ترس خداوند خود را نیایش کنند..."

- کشیش "**طاطاوس میکائیلیان**" نیز که بعد از شهادت اسقف هوسپیان مهر به مقام ریاست شورای کشیشان پروتستان نائل شده بود، به فاصله چند روز بعد از ربودن و قتل کشیش دیباج، در تاریخ 29 ژوئن 1994 با صحنه سازی ماموران مخفی رژیم، مفقود و به شهادت رسید. در همین رابطه وزارت اطلاعات رژیم ملاحا با سناریوسازی وقیحانه ای سعی کرد قتل این انسانهای شریف و آزاد اندیش را که حاضر به سکوت و تسلیم در برابر این رژیم فاسد نشدند، به اپوزیسیون دمکراتیک خود یعنی "مجاهدین خلق" نسبت دهد که البته جز رسوایی بیشتر ثمری برایش نداشت. ضمن اینکه دیگر کشیشان و افراد نزدیک به این قربانیان مظلوم را نیز در زیر انواع فشارها و تهدیدها قرار داده بود که این سناریوی کذایی را تأیید کنند و انگشت اتهام را بجای رژیم قاتلان به سمت آزادیخواهان ایران نشانه روند. البته رهبران جامعه مسیحیان ایران، حتی با پذیرش ریسک روی جانشان، شرافتمندانه تن به این دروغ بزرگ ندادند.

- در ادامه همین سریال قتل و جنایت، کشیش جوان "**روانبخش (محمدباقر) یوسفی**" که سالها به اتفاق خانواده از پسران کشیش دیباج در هنگام اسارت وی، نگهداری کرده بود، در صبحگاه روز 28 سپتامبر 1996 در حالیکه برای انجام نیایش از منزل خارج شده بود، مفقود میشود و غروب همان روز جنازه حلق آویز او در جنگلهای اطراف ساری پیدا میشود. همچنین کشیش کلیسای خانگی "**قربان تورانی**" در نوامبر 2005 در گنبدکاوس بر اثر ضربات چاقو به قتل میرسد و پیکر خون آلودش را در جلوی خانه اش رها میکنند...

البته در تمام این سالها، روزی نبوده که پیروان عیسی مسیح و مریدان و معتقدین دیگر ادیان و مذاهب، همانند دیگر افراد و اقشار آگاه جامعه، از تیغ تهدید و ساطور سرکوب و آزار و اذیت ناشی از آپارتاید مذهبی و تبعیض ارتجاعی رژیم، در امان بوده باشند. هرروزه اخبار ظلم و ستم قرون وسطایی نسبت به هموطنان شریفی که راه و روش و منش دیگری غیر از این شریران بدکردار برای زندگی خود برگزیده اند، از گوشه و کنار این میهن اشغال شده به گوش میرسد. ولی تاکنون حتی بخش ناچیزی از آنهمه بیعدالتی و تجاوزگری هم به تصویر کشیده نشده و در معرض دید جهانیان قرار نگرفته است.

یکی از عکسهای مندرج در متن همین مقاله که برای اولین بار انتشار عمومی مییابد، نشان دهنده صحنه تکان دهنده ایی است که اسقف هائیک هوسپیان مهر بر سر خاک و آرامگاه کشیش سودمند فقید در حال نیایش و ادای احترام مییابد در حالیکه همسر نابینای کشیش سودمند نیز حضور دارد. **آیا برآستی همین یک عکس منعکس کننده عمق فاجعه و ابعاد مظلومیت قربانیان این رژیم ستمکار نیست؟ انسانی را فقط بجرم داشتن اندیشه و اعتقادی متفاوت، بیرحمانه به قتل میرسانند و پیکرش را در محوطه ای دورافتاده، بی نام و نشان دفن میکنند؛ آنوقت بستگان و دوستان قربانی ناچارند اینقدر مظلومانه و غریبانه و محقرانه سوگوار عزیز از دست رفته شان باشند! با مزاری گمنام و بی سنگ، با صلیبی ساده و چوبی نشانده بر خاک سرد، با چهره هایی گرفته از غبار غم و سوز سرما، و البته در زیر سایه سنگین ترور و تهدید که در تصویر هم محسوس و مشهود است...**

اتفاقاً در یکی دیگر از عکسهای ضمیمه این متن که آنها برای اولین بار در معرض دید همگان قرار میگیرد، کشیش دیباج را بر سر آرامگاه اسقف شجاع هوسپیان مهر نشان میدهد. کسی که برای نجات جان و رهایی او از بند، سالها تلاش کرد و خود بلافاصله بعد از آزادی کشیش دیباج، به شهادت رسید.

ندای ملکوتی عیسی مسیح همچنان طنین انداز است: "...خوشا بحال زحمتکشان برای عدالت زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است... وای بر شما ای کاتبان ریاکار، وای بر شما ای فقیهان، زیرا که بارهای گران بر مردم می نهید و خود بر آنها یک انگشت هم نمیگذارید... وای بر شما راهنمایان کور که پشه را صافی میکنند و شتر را فرو می بلعید... وای بر شما ای کاتبان، از آنرو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک میکنند و درون آنرا سرشار از جبر و ظلم میدارید..."

در میهنی که دلاوران والامقام و آزادیخواهی همچون "وارطان سالاخانیان" و "مارتیک قازاریان" و "فیلیپ یوسفیه" و... از جامعه مسیحیان سربرافراشتند و در نبرد با ستم و سیاهی، همچون بنفشه گل دادند و مژده دادند، زمستان شکستند و رفتند... جایگاه چنین کشیشان و رهبران مسیحی شریف نیز بسیار گرامی و پر ارج میباشد و نسلهای آینده بیشتر از آنان یاد خواهند کرد.

سالروز میلاد عیسی مسیح، منادی صلح و عشق و عدالت، و آغاز سال نو میلادی بر همه انسانهای شریف و آزاده مبارک باد!

مینا انتظاری

[mina.entezari@yahoo.com](mailto:mina.entezari@yahoo.com)

پاورقی ها:

1- عکسها و تصاویر مندرج در متن این مقاله برای اولین بار است که انتشار عمومی میباشد. البته برای تضمین سلامت و امنیت آتی عزیزان، با پوزش بسیار، چهره برخی از هموطنان مسیحی در این عکسها پوشیده و محو گردیده است. در ضمن برای محدود کردن حجم و ساینز فایل الکترونیکی مقاله جهت درج بر روی سایتهای اینترنتی، دیگر عکسها و تصاویر این جانباختگان شریف که خوشبختانه بطور گسترده در بسیاری از منابع و سایتها، موجود و در دسترس عموم میباشد، ضمیمه نشده و به همین چند عکس اختصاصی بسنده شده است.

2- برخی از سایتها و منابعی که در تنظیم این مقاله مورد استفاده و استناد قرار گرفته اند از این قرار است:

<http://www.fcnn.tv/start/>

<http://www.farsicrc.com/>

<http://www.iranforchrist.com/>

<http://www.abfiran.org>

3- اقتباسی از سروده زنده یاد شاملو در رابطه با وارطان و وارطان ها:

"... وارطان سخن نگفت، وارطان بنفشه بود، گل داد و مژده داد، زمستان شکست و رفت..."